

بواسطهٔ امین

طهران

جناب میرزا عبدالله مطلق من اهل طاء علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای بندهٔ صادق جمال مبارک نامه‌ئی که از زنجان مرقوم نموده بودی وصول یافت الحمد لله در نهایت روحانیت به عراق و همدان و طهران و قزوین مرور نمودی و جمیع یاران الهی را در نهایت ثبوت و رسوخ یافتی مشاهدهٔ جمال و کمال دوستان سبب سرور دل و جان گردد و این از اعظم نعمای الهی الحمد لله از آن بهره و نصیب یافتی مدتی بود که بظاهر از زنجان خبری نبود حال که شما بدیدن یاران رفتید الحمد لله که خبر خوشی رسید آن خطهٔ پاک کشور تابناکست سرور ابرار و قدوهٔ اخیار مهبط اسرار و مظهر انوار حضرت حجت در آن کشور باعلای امر جلیل اکبر قیام فرمود و جمع کثیری را بنفحات ایمان مشام معطر فرمود هزاران نفوس جان در سبیل الهی فدا نمودند لهذا عبدالبهاء همواره منتظر آن که این خونهای معطر مثمر ثمر شود و آن کشور منور گردد حال الحمد لله جناب میرزا عبدالوهاب بروحی جدید قیام نمودند و همچنین نفوس مبارکی مقرب درگاه الهی هستند امید چنانست که نسیم بیان روح بخش مخلصین اموات غیر احیا را حیاتی جدید بخشد تا بازماندگان شهدا حجابات مظلمهٔ اهل اوهام را بدرند و جمال نورانی را که شرق و غرب روشن نموده مشاهده کنند حیف است که آن خطهٔ جلیل از فیضان نisan هدایت ممنوع ماند قلب عبدالبهاء نهایت تعلق ببازماندگان شهدا دارد و بدرگاه الهی عجز و نیاز مینماید که

ای پروردگار مهربان این بازماندگان نهالهای گلشن شهادتند بامطار فضل و موهبت تر و تازه فرما تا بنهایت لطافت و طراوت مبعوث گردند و شمع شهادی بزرگوار را روشن کنند و کشتزار آمال فدائیان را سبز و خرم فرمایند
عبدالله انصاری میگوید الهی اگر کاسنی تلخ است از بوستان است امیدم چنانست که گل و ریحان گردند و سوسن و ضیمران شوند خدایا مطلق را آزاد کن و مؤید بالطاف بی پایان نما تا در آن صفحات شمعی برافروزد و حیات تازه بدمد و علیه
البهاء الأبهی

۲۴ صفر ۱۳۳۹

عبدالبهاء عباس